



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

تقریرات درس:

جامعه‌شناسی کیفری

(جامعه‌شناسی زندان)

استاد: علی حسین نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم: فرهاد شاهیده

بازخوانی: عارف خلیلی پاجی

(دانشجویان دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی)

نیم‌سال اول تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

فهرست مطالب

درآمد	۱
گفتار اول: کلیاتی درباره جامعه‌شناسی کیفری	۲
الف: حوزه‌های مطالعاتی جامعه‌شناسی کیفری	۴
ب: دلایل انتخاب جامعه‌شناسی زندان به عنوان موضوع نیم‌سال	۶
گفتار دوم: محیط زندان	۱۰
الف: جریان زندگی در زندان	۱۱
ب: پذیرش فرهنگ زندان	۱۳
ج: زندان، یک نهاد- محیط بسته	۱۶
د: خُرده فرهنگ زندان	۱۷
ه: مکان‌های سلب آزادی	۱۹
۱. تحت نظرگاه	۱۹
۲. بازداشتگاه	۲۰
۳. زندان	۲۱
۴. مراکز نگهداری الکترونیکی محکومین به حبس	۲۲
گفتار سوم: ساکنان (باشندگان) و کُنشگران زندان	۲۳
الف: ترکیب اجتماعی جمعیت کیفری زندان	۲۴
۱. جنسیت	۲۴
۲. سن	۲۵
۳. طبقه اجتماعی	۲۶
ب: کنش‌گران رسمی زندان	۲۶
۱. زندانبان	۲۶
۲. مددکاران اجتماعی	۲۷
۳. مربیان آموزشی و کادر بهداشتی-پزشکی	۲۸
۴. روحانیون دین‌های مختلف	۲۹

- گفتار چهارم: ارزیابی کارکرد زندان ۲۹
- الف: تأثیر زندان بر تکرار جرم ۳۰
- ب: نقش دموکراسی در کارکرد زندان ۳۱
- کتاب‌شناسی مختصر ۳۴

درآمد*

جامعه‌شناسی کیفری (جامعه‌شناسی حقوق کیفری، جامعه‌شناسی عدالت کیفری)^۱، از یک سو در چارچوب علوم جنایی، به عنوان شاخه‌ای از علوم جنایی تجربی و تفسیری (تحلیلی)، نهادهای مختلف حقوق کیفری را به عنوان پدیده اجتماعی مطالعه می‌کند، به چگونگی شکل‌گیری، تولد، حیات، تحول و کارنامه آنها می‌پردازد و آثار اجتماعی و اقتصادی نهادهای کیفری را بررسی می‌کند. جامعه‌شناسی کیفری در واقع به دنبال مطالعه جامعه‌شناختی نهادهای حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی کیفری است. رویکرد جامعه‌شناسی کیفری، علت‌شناسی نیست، بلکه نهادشناسی کیفری-قضایی در بستر جامعه است. به عبارت دیگر، تأسیسات حقوق کیفری از منظر جامعه‌شناسی بررسی و کارکرد اجتماعی آنها نیز مطالعه و نتایج مطالعات، بدون داوری پژوهش-گر، به قانون‌گذار، دستگاه قضایی و پلیس ارائه می‌شود. جامعه‌شناسی کیفری، از سوی دیگر رشته‌ای تخصصی از جامعه‌شناسی حقوقی است که موضوع آن، همان‌طور که اشاره کردیم، مطالعه و تحلیل چگونگی قانون‌گذاری (تولد قانون)، سرنوشت قوانین، تشکیلات و سازمان‌های کیفری، قضایی-پلیسی و ضمانت اجرای کیفری و نیز بررسی آثار عملکرد آنها در جامعه و تحولات اجتماعی، به‌طور کلی و نیز در دستگاه‌های قضایی، اجرایی و قانون‌گذاری، به ویژه است.

* این تقریرات شامل خلاصه مطالب کلاسی می‌شود و در مرداد ۱۴۰۰ خورشیدی با ملاحظات استاد روزآمد شده است.

۱. Penal Sociology / Sociology of Criminal Law / Sociology of Criminal Justice.

در این نیم‌سال، نخست، کلیاتی درباره عنوان درس؛ یعنی جامعه‌شناسی کیفری مطرح می‌شود^۱ و سپس به عنوان موضوع تخصصی نیم‌سال جاری، جامعه‌شناسی زندان بررسی خواهد شد.

گفتار اول: کلیاتی درباره جامعه‌شناسی کیفری

همان‌طور که می‌دانیم علوم جنایی، در یک دسته‌بندی آموزشی به سه دسته (گروه) ۱. علوم جنایی حقوقی، ۲. علوم جنایی تجربی و ۳. علوم جنایی بینابین تقسیم می‌شود. علوم جنایی حقوقی شامل شاخه‌های اصلی از جمله حقوق کیفری عمومی و اختصاصی و آیین دادرسی کیفری و شاخه‌های تکمیلی مانند حقوق کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری تطبیقی و حقوق کیفری فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات است. علوم جنایی تجربی شامل دو شاخه کلی علوم اثباتی (جرم‌یابی) و علوم تفسیری/تحلیلی می‌شود. علوم اثباتی (جرم‌یابی) مرتبط با بحث‌های کشف علمی جرایم از طریق پلیس علمی، پزشکی قانونی و... است. علوم جنایی بینابین شامل فلسفه کیفری و سیاست جنایی است. اما جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی کیفری، جامعه‌شناسی جنایی و... جزو شاخه تفسیری/تحلیلی علوم جنایی تجربی است. بر همین اساس، جامعه‌شناسی کیفری و جامعه‌شناسی جنایی^۲ گاه به اشتباه به جای یکدیگر به کار می‌روند. اما باید گفت که جامعه‌شناسی جنایی شاخه‌ای از جرم‌شناسی است که به‌طور کلی، علل محیطی- وضعی ارتکاب جرم را در بستر انواع محیط‌های حقیقی و مجازی بررسی می‌کند. از این‌رو، جامعه‌شناسی جنایی به عبارتی در صدد مطالعه علت‌شناختی محیطی بزهکاری است و به عبارت دیگر علل جامعه‌شناختی بزهکاری را تحلیل

۱. برای تفصیل جامعه‌شناسی کیفری رک به: نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین، جامعه‌شناسی کیفری، تقریرات دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، قابل دسترس در www.lawtest.ir؛ نجفی‌ابرنادادی، جامعه‌شناسی کیفری، تقریرات دوره دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱، قابل دسترس در: www.lawtest.ir.

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص جامعه‌شناسی جنایی از جمله رک به: نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین، تقریرات جامعه‌شناسی جنایی، مجموعه تقریرات مباحثی در علوم جنایی، ۱۳۹۱، قابل دسترس در: www.lawtest.ir.

نماید. این درحالی است که جامعه‌شناسی کیفری، همان‌گونه که گفته شد، شاخه‌ای از جامعه‌شناسی حقوقی نیز است که نهادهای قانون‌گذاری کیفری-پلیسی-قضایی را از منظر جامعه‌شناسی مطالعه می‌کند.

در واقع تمایز اصلی جامعه‌شناسی کیفری و جامعه‌شناسی جنایی به تفاوت خاستگاه آنها در رشته‌های علوم جنایی تجربی تحلیلی/تفسیری نیز مربوط می‌شود. رشته مطالعاتی «جامعه‌شناسی جنایی» مانند جرم‌شناسی یکی از زیرمجموعه‌های علوم جنایی تجربی است که در کنار «روان‌شناسی جنایی» و «زیست‌شناسی جنایی»، جرم‌شناسی-های تخصصی را تشکیل می‌دهد. جامعه‌شناسی جنایی، به نوعی جرم‌شناسی تخصصی است،^۱ درحالی که جامعه‌شناسی کیفری از بطن جامعه‌شناسی حقوقی می‌آید.

بررسی ارتباط جامعه با مجازات، ترسیم جایگاه کیفر در زندگی اجتماعی و تبیین این موضوع که مجازات به مثابه یک نهاد اجتماعی چگونه در افکار عمومی دریافت و چگونه اجرا می‌شود (بازنمایی اجتماعی کیفر) و چه تحولات اجتماعی را موجب می‌گردد، از جمله محورهای مطالعاتی جامعه‌شناسی کیفری به شمار می‌آید. کیفر در عنوان «جامعه‌شناسی کیفری» صفت جامعه‌شناسی است و نه مضاف‌الیه آن. همین نکته بیان‌گر تفاوت جامعه‌شناسی کیفری از کیفرشناسی است، زیرا موضوع مطالعه کیفرشناسی^۲ دانش کیفر و چگونگی اجرای آن است. در حالی که در جامعه‌شناسی کیفری صرفاً «کیفر» مورد بحث نیست، بلکه به آثار اجتماعی نهادهای مختلف عدالت کیفری هم می‌پردازد.

از آنجا که جامعه‌شناسی کیفری واقعیت جامعه‌شناسانه نهادهای حقوق و عدالت کیفری مانند زندان و آثار اجتماعی آنها را به عنوان پدیده‌هایی اجتماعی مطالعه می‌کند، می‌توان موضوع جامعه‌شناسی زندان^۳ و نیز به‌طور

^۱. جرم‌شناسی اختصاصی، بر وزن حقوق کیفری اختصاصی، به مطالعه تخصصی جرایم می‌پردازد.

^۲. برای مطالعه بیشتر رک به: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ویراست پنجم، ۱۳۸۷.

^۳. جامعه‌شناسی پلیس، جامعه‌شناسی دادرسی، جامعه‌شناسی دادگاه‌های کیفری نیز از جمله شاخه‌های مطالعاتی دیگر جامعه‌شناسی کیفری است.

کلی، مراکز سلب آزادی را با جرم‌شناسی محکومان^۱ (جرم‌شناسی محکومان به حبس) که شاخه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی است پیوند داد.^۲ در ادامهٔ اعتراض به کارنامه جرم‌شناسی بالینی، برخی جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان انتقادی (عمدتاً در آمریکا و انگلستان) اندیشه‌ها و نظریه‌های انتقادی را نسبت به قانون‌گذاری، عدالت کیفری و قوانین کیفری مطرح نمودند که به دنبال آن، بحث‌های قضازدایی، جرم‌زدایی، کیفرزدایی و به ویژه زندان‌زدایی وارد حوزه سیاست جنایی شد.^۳ شرایط و مدیریت نامطلوب زندان‌ها، ناشی از سیاست‌گذاری‌ها و زندانبانی‌های نامطلوب و عدم سرمایه‌گذاری مادی و انسانی بایسته در حوزه زندان و زندانبانی، برخی جرم‌شناسان و کیفرشناسان منتقد را بر آن داشت تا برخلاف جرم‌شناسان بالینی که زندان را درمانگاه جرم و مجرم می‌دانستند و بدون آن که از نزدیک جریان زندگی در زندان را مشاهده کرده باشند به نظریه‌پردازی پرداخته بودند، با مشاهدهٔ درونی وضعیت زندان‌ها و زندانیان به نقد نحوه مدیریت و برنامه‌های داخل زندان‌ها و نحوه رفتار با زندانیان و نحوه رفتار زندانیان با یکدیگر پردازند.

الف: حوزه‌های مطالعاتی جامعه‌شناسی کیفری

همان‌طور که پیشتر هم اشاره شد، جامعه‌شناسی کیفری معمولاً سه حوزه را بررسی می‌کند:

۱. در جامعه‌شناسی قانون‌گذاری کیفری: مطالعهٔ فرآیند تنظیم لایحه یا طرح قانون، چگونگی تصویب آنها به صورت دائمی یا آزمایشی (میزان رأی‌دهی به طرح یا لایحه قانونی به هنگام تصویب در پارلمان و موضع جناح‌های سیاسی حاضر در پارلمان نسبت به طرح یا لایحه قانونی)، حیات قضایی، اجرایی و اجتماعی قانون، افول یا مرگ یا بر عکس اثربخشی آن در بستر جامعه یا در نهاد-سازمان- اشخاص مرتبط با قانون و آثار اجتماعی منفی یا مثبت

۱. Convict Criminology.

۲. برای مطالعه بیشتر رک به: شیری، عباس (به کوشش)، دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.

۳. برای مطالعه بیشتر رک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم (درآمد)، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۷.

قانون مدنظر است. مطالعات جامعه‌شناختیِ خاستگاه و چگونگی تدوین و تصویب طرح یا لایحه قانونی اهمیت زیادی دارد؛ علاوه بر مطالعه فرهنگ عمومی جامعه، انتظارات گروه‌ها یا اشخاصِ مخاطب لایحه و در نهایت قانون نیز بررسی می‌شود. برای نمونه، بررسی تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴) که مقرر می‌دارد: «در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رییس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رییس قوه قضاییه اعلام می‌گردد»، با طرح سؤالاتی مانند این که چه جناح سیاسی مجلس، کدام اشخاص حقیقی و حقوقی بیرون از مجلس دنبال تصویب این تبصره بودند؟ به چه دلایلی؟ چه منافع و مصالحی را دنبال می‌کردند؟ چه تأثیری بر نهاد وکالت و کانون وکلاء گذاشت و می‌گذارد؟ آیا این تبصره در نهایت وکیلان را به دو گروه خودی (قابل اعتماد دادگستری) و غیرخودی تقسیم نکرد؟ آیا این تبصره کیفیت دادرسی را ارتقا بخشیده؟ آیا رویکرد سیاسی-امنیتی، در نهایت، مبنای اصلی تصویب تبصره نبود؟ و... می‌تواند از موضوعات مطالعات جامعه‌شناسی کیفری باشد.

۲. جامعه‌شناسی مجازات‌ها (ضمانت اجراهای کیفری): مطالعه جامعه‌شناسانه انواع واکنش اجتماعی علیه جرم یعنی مجازات و اقدام تأمینی از نظر خاستگاه، اثرگذاری در تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، مقبولیت و مشروعیت اجتماعی و... .

۳. جامعه‌شناسی مراجع قضایی (اعم از دادسرا و دادگاه)، زندان و پلیس (ضابطان عام و به‌ویژه نحوه عملکرد ضابطان خاص و آثاری که رفتار آنها در جامعه به‌جای می‌گذارد و تصویری که از خود در افکار عمومی ترسیم می‌کنند)، بازنمایی اجتماعی تشکیلات قضایی و پلیسی و آثار عملکرد آنان در سطح جامعه و افکار عمومی و تأثیر آن بر

تحولات تقنینی و قضایی بعدی از جمله هدف‌های این حوزه مطالعاتی است. بر این پایه، کارنامه رفتار گنش‌گران عدالت کیفری مانند قضات، اعضاء پلیس، زندان‌بانان، و کیلان، کارشناسان دادگستری و ... نیز بررسی می‌شود.

ب: دلایل انتخاب جامعه‌شناسی زندان به عنوان موضوع نیم‌سال

حال به‌طور مختصر به دلایل انتخاب جامعه‌شناسی زندان به عنوان موضوع درس جامعه‌شناسی کیفری در این نیم‌سال می‌پردازیم. زندان، به عنوان تنها ضمانت اجرای خاص حقوق کیفری در کشورهایی که کیفرهای بدنی را حذف کرده‌اند، محل اجرای کیفر سالب آزادی، جاری‌ترین مجازات در زرادخانه کیفری (حبس‌گذاری) و رایج‌ترین کیفر در دادنامه‌های دادگاه‌ها (حبس‌گزینی) است. قانون‌گذار انقلابی-اسلامی نیز، ضمن وارد کردن انواع مجازات‌های بدنی معمول در فقه و مقررات اسلامی (از کیفر مرگ گرفته تا تازیانه) در حقوق ایران پسا انقلاب، کیفر سلب-کننده آزادی را نیز حفظ کرد که با تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ خورشیدی،^۱ مبتنی بر قانون جزای عرفی ۱۲۸۵ خورشیدی (مقتبس از قانون (کُد) مجازات فرانسه ۱۸۱۰) وارد حقوق کیفری ایران شده بود. در نتیجه امروزه قضات نیز در آراء خود در سطح وسیعی به آن متوسل می‌شوند (حبس‌گزینی).^۲

گردش سالیانه جمعیت در زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و تحت‌نظرگاه‌ها نسبتاً زیاد است. بدین ترتیب، بخشی از جمعیت جامعه، محیط کیفری را تجربه می‌کنند و ناگزیر با فرهنگ و آداب و رسوم حاکم و معمول در آن آشنا می‌شوند، چندان که اثرگذاری فرهنگی نهادهای سلب‌کننده آزادی، وضعیت روانی-اجتماعی آنها را دگرگون می‌سازد. زندان از یک سو، در کشورهایی که کیفر مرگ را از سیاهه مجازات‌ها حذف کرده‌اند، به عنوان جایگزین آن

^۱. قانون مجازات عمومی در دی-بهمن ۱۳۰۴ تصویب آزمایشی شد. چه خوب است که فرآیند تدوین، تصویب، تحول، حیات قضایی و اجتماعی آن، به‌ویژه اصلاحات مقطعی بخش‌های حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی این قانون تا سال ۱۳۵۷ و نیز تأثیری که بر تولد و تحول حقوق کیفری ایران پسا انقلاب گذاشت، در همایشی به مناسبت صدمین سال‌گرد آن در سال ۱۴۰۴، بررسی شود.

^۲. برای مطالعه بیشتر رک: به: رحیمیان، رضا و دیگران، حبس‌گذاری و حبس‌گزینی حداقلی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه)، تهران، انتشارات دانشگاه علوم قضایی، چاپ اول، ۱۳۹۹.

استفاده می‌شود و از سوی دیگر، تنها مجازات خاص حقوق کیفری است که به لحاظ سلب آزادی، جنبه قهرآمیز شدیدتری نسبت به ضمانت اجرای سلب یا محرومیت از حقوق مدنی و سیاسی و جریمه دارد، ضمانت‌های اجرایی که از حقوق اداری به حقوق کیفری منتقل شده است و سرانجام این که قضات به این کیفر و به ویژه به حبس‌های طولانی مدت در آراء خود متوسل می‌شوند. به همین جهت، در اغلب کشورها شاهد تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها هستیم، امری که همه برنامه‌های بازپروری، اصلاحی، حرفه‌آموزی و بازپذیرسازی اجتماعی زندانیان را مختل، خنثی و غیرممکن می‌سازد؛ دلیل دیگر تورم جمعیت کیفری مراکز سلب‌کننده آزادی و موفقیت نسبی آنها در اصلاح و تنبیه اخلاقی محکومان، همانا عدم سرمایه‌گذاری دولت‌ها در گسترش و ساخت مؤسسات کیفری جدید، بی‌اعتنایی عملی به اصلاح دوره‌ای ساختاری زندان و نظام زندانبانی و تربیت علمی زندانبانان است؛ صرف روزآمد کردن آیین‌نامه‌ها و مقررات ناظر به اداره مؤسسات کیفری کافی نیست، مهیا کردن عملی امکانات مادی و انسانی که در سطح برنامه‌های مندرج در آیین‌نامه‌ها باشد و نیز ظرفیت افزایش آراء و قرارهای سلب‌کننده آزادی (یعنی رشد جمعیت کیفری) را داشته باشد، ضروری است.

محیط زندان و نهادهای مشابه، محیط اجتماعی بسته‌ای است که عده‌ای به رغم میل و رضایت‌شان و به لحاظ محکومیت در آن نگهداری می‌شوند؛ محیطی که افراد متنوعی از نظر سن، جنس، سابقه کیفری، اجتماعی، تحصیلی و شغلی با فرهنگ‌های مختلف در آن، در کنار هم، گرد هم آورده شده‌اند؛ هم‌نشینی‌ها و هم‌بندی‌ها و هم‌اتاقی‌هایی که انتخابی نیست، محیطی که جامعه (محیط آزاد) به آنچه در آن می‌گذرد اعتنایی ندارد، بها نمی‌دهد و نسبت به رفتار زندانبانان با ساکنان زندان و بازداشتگاه‌ها و سرنوشت محکومان بی‌تفاوت است و نظارتی - به ویژه در جوامع اقتدارگرا که جامعه مدنی را قانوناً و عملاً به رسمیت نمی‌شناسند، مگر در خدمت اهداف و حفظ حاکمیت سیاسی - بر آن چه در درون آن می‌گذرد ندارد؛ به همین علت است که نخستین کنگره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان

سازمان ملل متحد (۱۹۵۵ ژنو)، رعایت حقوق و کرامت انسانی زندانیان^۱ را در کشورهای عضو این سازمان، با تصویب قواعد حداقل لازم‌الرعایه درباره نحوه رفتار با زندانیان و بازداشتی‌ها، برجسته کرد و در اولویت قرار داد. سازمان ملل این قواعد را حدود شصت سال بعد، یعنی در ماه مه ۲۰۱۵ م. روزآمد کرد و عنوان «نلسون ماندلا»^۲ را برای پاس داشت مقام ماندلا که به لحاظ فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی علیه آپارتاید، ۲۷ سال از زندگی خود را در زندان آفریقای جنوبی به سر برد، بر آن نهاد.^۳

تأکید این قواعد بر رفتار کرامت‌مدار زندانبانان با محروم شدگان از آزادی به عنوان اعضاء جامعه و زندانبانی-بازداشتگاه‌بانی کرامت‌مدار در سطح کشورهای عضو سازمان ملل متحد است، چندان که زندانیان از نظر اخلاقی و رفتاری، اصلاح شده و بازجامعه‌پذیر اجتماعی از حبس خارج شوند و نه دشمن جامعه؛ زندانبانی کرامت‌مداری که انقطاع اجتماعی-رفتاری-فرهنگی در زندانیان بوجود نیارد. فرانسیسکو ماری یو پاگانو،^۴ حقوقدان ایتالیایی، بیش از ۲۰۰ سال پیش با توجه به اهمیت رعایت حقوق متهم در فرآیند تحقیقات مقدماتی و محاکمه کیفری، گفته بود: هرگاه وارد کشور ناشناخته‌ای شدید و مایل بودید بدانید آزادی‌های مدنی شهروندان توسط حاکمان چه اندازه رعایت می‌شود، به قانون آیین دادرسی کیفری آن کشور رجوع کنید. امروزه، با توجه به اینکه کیفر سالب آزادی در رأس ضمانت‌اجراهای حقوق کیفری قرار دارد و بخش قابل توجهی از متهمان و محکومان، به حبس و بازداشتگاه اعزام می‌شوند و در نتیجه گردش ورود و خروج به زندان‌ها زیاد است، می‌توانیم به نظر پاگانو این نظر را هم اضافه کنیم: هرگاه وارد کشور ناشناخته‌ای شدید و خواستید به ماهیت نظام سیاسی و مدل سیاست جنایی حکومت آن کشور پی ببرید، افزون بر رجوع به بخش اجرای احکام قانون آیین دادرسی کیفری و قوانین و مقررات ناظر به زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، با رجوع به مراکز سالب

۱. نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵، ص ۲۹۲ و بعد.

۲. Mandela Rules.

۳. ابراهیمی، شهرام، مدیریت زندان در سنجه موازن حداقل سازمان ملل درباره نحوه رفتار با زندانیان، در دائرة المعارف علوم جنایی، کتاب چهارم، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۹۱۵ و بعد.

۴. Francesco Mario Pagano (1748-1799).

آزادی، نحوه رفتار با زندانیان و میزان پابندی عملی به رعایت حقوق محروم‌شدگان از آزادی و بهایی که به انسانیت شهروندان زندانی داده می‌شود را بررسی کنید. بدین سان، امروزه کیفیت زندانبانی یکی از شاخص‌های مدل‌بندی سیاست جنایی کشورها محسوب می‌شود.

در این چارچوب، جای تعجب نیست که کشورهای دموکراتیک، با تأسیس دادگاه اجرای مجازات‌ها و قضایی کردن مرحله اجرای محکومیت‌های کیفری، به محکومان و از جمله زندانیان اجازه می‌دهند تا برای اعتراض به نقض حقوق و کرامت انسانی خود و رفتار شکنجه‌محور زندانبانان در دوران حبس، به این دادگاه‌ها مراجعه و تظلم-خواهی کنند؛^۱ این کشورها همزمان از پایش بیرونی مؤسسات سلب‌کننده آزادی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد کاملاً مستقل و رسانه‌های آزاد و ملاحظات انتقادی اصلاحی آنان استقبال می‌کنند. ناگفته پیداست که در چنین جوامع باز، نمایندگان پارلمان حق تفحص و بررسی وضعیت زندان‌ها را دارند و حتی می‌توانند در صورت ضرورت، وزیر دادگستری یعنی در واقع رئیس قوه قضاییه را جهت پاسخگویی و استیضاح به پارلمان فراخوانند و به مناسبت، رأی اعتماد خود را به او تجدید نکنند و استعفای فوری او را خواستار شوند. البته در چنین جوامعی، در صورت نقض آشکار حقوق و کرامت انسانی محروم‌شدگان از آزادی مانند شکنجه و بدرفتاری جسمانی و فاش شدن آن، معمولاً خود وزیر -قبل از ورود پارلمان به موضوع- ضمن پوزش‌خواهی، استعفاء خود را تقدیم رئیس جمهور مربوط می‌کنند.

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، قضایی شدن مرحله اجرای کیفر، دیباچه در: جعفرزاده، فخرالدین، در: اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه، اصفهان، انتشارات دادیار، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۱۱-۱۴.

به این ترتیب است که موضوع درس جامعه‌شناسی کیفری برای نیم سال اول تحصیلی ۹۶-۹۵، "جامعه‌شناسی زندان یا جامعه‌شناسی مراکز سلب‌کننده آزادی انتخاب شد.^۱

گفتار دوم: محیط زندان

زندان به عنوان یکی از مرکزهای سلب‌کننده آزادی، محل اجرای کیفر سالب آزادی، از اوایل سده نوزدهم میلادی در بسیاری از کشورها به عنوان ضمانت اجرای اصلی وارد زرادخانه حقوق کیفری شد. زندان محلی است که اشخاص محکوم به کیفر سالب آزادی در آنجا نگهداری می‌شوند. هرچند، جایگزینی حبس به جای کیفر مرگ، ابتدا امیدوارکننده بود، اما به تدریج مشکلات زندان نمایان و به کانون انتقادات تبدیل شد. دور شدن از اهداف و کارکرد اصلاحی و بازپرورانه به لحاظ عدم سرمایه‌گذاری مادی- انسانی، ایجاد خرده فرهنگ‌های خاص، تورم جمعیت کیفری و رشد میزان تکرار جرم محکومان به حبس از جمله دلایل منتقدان زندان است،^۲ ولی از دیدگاه افکار عمومی و چه از نگاه افکار قضات کیفری، سلب آزادی چه در قالب حکم و چه به شکل قرار موضوعیت کیفری دارد. یکی از دلایل دیگر تورم جمعیت کیفری را باید در تورم کیفری (فزونی جرم‌انگاری) جستجو کرد. به عنوان نمونه، بیش از ۲۰۰۰ عنوان مجرمانه در قوانین و مقررات جزایی ایران^۳ وجود دارد. بر همین پایه است که طبق بند «چ» ماده ۱۱۳ برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۴۰۰-۱۳۹۶، «در اجرای سیاست بازنگری در قوانین جزائی و با هدف کاهش عناوین مجرمانه قوه قضائیه مکلف است به منظور بازنگری در مصادیق

^۱. گفتنی است که در این نیم سال، دانشجویان مکلف شدند که هر یک بخشی از کتاب "NEW HORIZONS IN CRIMINOLOGY, Convict Criminology: Inside and out" را ترجمه و در کلاس کنفرانس دهند. ترجمه گروهی این کتاب، در نهایت با کوشش آقای فرهاد شاهیده و نظارت استاد، به زیور چاپ آراسته شد: ارل، رود، افق‌های نوین در جرم‌شناسی محکومان: درون و بیرون، شاهیده، فرهاد (به کوشش)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.

^۲. آشوری، محمد، جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

^۳. قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/95101408774>، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۰/۶/۱۱

عناوین مجازات‌های سالب حیات با توجه به تغییر شرایط، کاهش عناوین مجرمانه و استفاده از ضمانت اجراهای انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرائم، نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین جزایی ... اقدام ... به عمل آورد». تمایل قضات به صدور احکام حبس و قرار تأمین منجر به بازداشت، عدم استقبال از سازوکارهای تخفیفی- ارفاقی و جایگزین‌های حبس، دلیل دیگر است. فشار بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنان و نهادهای حمایت از بزه‌دیدگان و به طور کلی افکار عمومی هم می‌توانند در صدور بیش از پیش احکام حبس تأثیر داشته باشد. همچنین، در نظام حقوقی ایران تعهدات مالی انجام نشده می‌تواند در صورت تقاضای طلبکار و شاکی موجب زندانی‌شدن بدهکار شود، درحالی‌که، محکوم، مرتکب جرم نشده است (محکومان اصطلاحاً مالی)؛ همچنین، محکومانی که در انتظار اجرای کیفرهای دیگری مانند کیفر مرگ یا قصاص نفس هستند، در زندان نگهداری می‌شوند.^۱ بدین‌سان، گونه‌شناسی افرادی که تحت عنوان‌های مختلف، ساکن زندان هستند و زندگی و فرهنگ مشترکی را که فرهنگ زندان و زندانی نام دارد تجربه می‌کنند، مهم است.

الف: جریان زندگی در زندان

زندگی در زندان مانند زندگی در خارج از زندان در حالت خاص خود در حال جریان است، با این تفاوت که زندانیان در محیط بسته زندان، علاوه بر محرومیت از آزادی، با برنامه‌های از پیش تعیین‌شده زندان فعالیت و زندگی می‌کنند. بر این اساس، زندان را نمی‌توان به بیمارستان تشبیه کرد،^۲ زیرا زندگی در زندان به عنوان یک محیط کیفری تحمیلی، با محدودیت همراه است و اقامت در آن برای مدت مشخصی است، اما بیمارستان محیطی اختیاری است و اقامت در آن بستگی به بیماری و مدت درمان دارد. در زندان ملاقات محدود است، اما در بیمارستان ملاقات

^۱. برای مطالعه بیشتر رک به: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، مجازات‌های جامعه مدار در لایحه قانون مجازات‌های جایگزین زندان، در: مجموعه مقاله‌های همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، مانده میرشمس شهشانی (به کوشش)، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.

^۲. البته به جز بیمارستان‌های روانی.

نامحدود است. از این رو، انتقادی که به جرم‌شناسی اصلاح و درمان کرده‌اند آن است که نمی‌توان آزادی افراد را با اجبار سلب کرد و توقع اصلاح و درمان آنان را هم در حالت محرومیت از آزادی داشت.^۱ به عبارت دیگر، درمانگاه جرم، در عین سلب آزادی، برای اصلاح و درمان محکومان است، اما این امر به موفقیت چندان نرسیده است. یکی از مهم‌ترین دلایل آن را باید در این موضوع جستجو کرد که زندانی با اجبار بر اساس برنامه‌های روزانه زندان زندگی می‌کند و در صورت تخلف از آن، تنبیه انضباطی می‌شود. در کشورهای دموکراتیک تلاش می‌شود بیمارستان روانی و زندان هرچه بیشتر شبیه جامعه آزاد تنظیم و اداره شود، تلاش می‌شود بیمار روانی-زندانی آثار محرومیت را کمتر احساس کند، هرچند همچنان حقیقت اجبار وجود دارد. در هر حال، زندانیان علاوه بر سلب آزادی، ممکن است دچار مشکلات روانی نیز شوند. دغدغه‌های روانی زندانیان بیشتر ناشی از نامعلوم بودن سرنوشت و عدم امکان برنامه‌ریزی در زندگی است. برای نمونه، بسیاری متهمان (بازداشتی‌ها) ممکن است از جریان حقوقی پرونده به طور کلی خود آگاهی نداشته باشند؛ این موضوع می‌تواند بر رفتارشان با سایر زندانیان و نیز زندانبان اثرگذار باشد و با نوعی احساس ناامنی و رفتارهای خشونت‌آمیز مواجه شوند. همچنین، محکومان نیز دغدغه‌های متعددی در خصوص امکان استفاده از مرخصی، عفو خاص، امکان آزادی مشروط، تعلیق مجازات و اشتغال در زندان دارند.

اشتغال، تولید و حرفه‌آموزی یکی از برنامه‌های زندان برای جامعه‌پذیرسازی زندانیان و به نوعی کمک مالی به آنان و خانواده‌های ایشان است، که خروجی آن می‌تواند برای جامعه نیز مؤثر باشد، به خصوص که در قسمت تولید، هزینه پایین می‌آید. بدین سان، کار کیفری همراه با رضایت زندانی است، در غیر این صورت کار اجباری و سازنده

^۱. برای مطالعه بیشتر رک به: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟ دیباچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ویراست پنجم، ۱۳۸۷.

نیست. جامعه‌شناسی زندان مطالعات خود را به زندگی محروم‌شدگان از آزادی در زندان محدود نمی‌کند بلکه به مرحله پسازندان نیز توجه دارد، زیرا زندانی از جامعه آزاد مدتی دور بوده است و باز پذیرش اجتماعی وی از سوی جامعه و خانواده با چالش‌هایی روبرو می‌شود. جامعه‌شناسی مرحلهٔ پساکیفی^۱ با مطالعه موردی محکومان آزاد شده در زمان^۲، به صورت اتفاقی به این موضوع می‌پردازد که آیا زندان موجب تنبه زندانی شده است؟ اگر زندانی آزاد شده مرتکب تکرار جرم شده، در چه زمان و مکانی؟ آیا همان جرم سابق بوده یا جرم جدید مرتکب شده است؟ آیا زندانی به همان محل و دوستان قبل خود مراجعه می‌کند؟ زندگی جدیدی بنا می‌نهد؟ تأثیر فرهنگی زندان بر شیوه زندگی افراد در محیط باز و آزاد؟ (انتقال فرهنگ زندان به جامعه آزاد)...

ب: پذیرش فرهنگ زندان

زندان به عنوان یک محیط کیفی دارای فرهنگ با گداهای رفتاری، زبانی و آرایشی خود است. روابط زندانیان نیز براساس نوع جرم ارتكابی و محکومیت با یکدیگر متفاوت است. برای نمونه نگاه به محکومان تجاوز جنسی تقبیح-آمیز است. در زندان خُرده فرهنگ شکل می‌گیرد. به‌طور کلی، روابط اجتماعی زندانیان و کُنش‌گران زندان، فرهنگ محیط بسته زندان را تشکیل می‌دهد. اگر زندانیان باورها و ارزش‌هایی را ایجاد کنند و به ارزش‌هایی ملحق شوند که با ارزش‌های عمومی جامعه تفاوت‌هایی باشد در واقع خُرده فرهنگ تشکیل می‌دهند. خُرده فرهنگ به‌طور خلاصه یعنی دور شدن گروهی از افراد از نهادها و ارزش‌های اجتماعی متعارف جامعه. زندان‌بانان، روان‌شناسان، پزشکان، روحانیون مستقر در زندان، مددکاران اجتماعی، مربیان و ... روابطی که در چارچوب رفتارنامه‌ها یا مرام-نامه‌های اخلاقی نانوشته با یک‌دیگر برقرار می‌کنند، اجازه می‌دهد که زندگی در محیط کیفی بسته زندان جریان

^۱. برای مطالعه بیشتر رک. به: واقفی، مریم، مطالعه حقوقی-جرم‌شناختی مرحله پساکیفی در فرایند کیفی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، ۱۳۹۰.

^۲. Follow up studies.

داشته باشد. برای مثال، پزشک زندان برای درمان زندانیان باید متناسب با رفتار و فرهنگ و روان‌شناسی زندانیان و فضای حاکم مقررات خاص زندان عمل کند. لذا رویه پزشک زندان با پزشک شاغل بیرون زندان متفاوت است. بدین ترتیب، مطالعات جامعه‌شناسی زندان منجر به شناسایی فرهنگ خاص محیط کیفری حبس و در نهایت نظریه فرهنگ زندان‌پذیری شد.

در نیمه دوم سده بیستم، همان‌طور که در جلسات قبل هم گفته شد، با افزایش موارد حبس‌گذاری در قوانین و حبس‌گزینی در آراء قضات و نیز با توجه به حذف کیفر مرگ از زرادخانه کیفری و جایگزین کردن سلب آزادی به جای آن و گسترش اندیشه درمانگاه مجرمان در زندان، جامعه‌شناسان کیفری به مطالعه محیط زندان و روابط و زندگی جاری در آن علاقه‌مند شدند. در نتیجه این تلاش‌ها، مفهوم "پذیرش فرهنگ زندان"^۱ شکل گرفت. مطابق نظر دونالد کلمر^۲ در کتاب "جامعه زندان"، پذیرش فرهنگ زندان، با درجات مختلف، در واقع اخذ راه و روش، اخلاقیات، آداب و رسوم و فرهنگ عمومی حاکم در زندان است. از آن‌جا که حبس، تجربه زندگی مشترک در زندان را می‌آفریند، پذیرش فرهنگ زندان به نوعی به فرآیند جامعه‌پذیری یا همگون‌سازی با زندان اشاره دارد که طی آن زندانیان هنجارها، ارزش‌ها و آداب غیررسمی جامعه زندان را درونی می‌کنند. از دیدگاه وی، هنگامی که زندانی از زندان بیرون می‌آید، بخشی از زبان، رفتار و پوشش او تحت تأثیر فرهنگ زندان است. کلمر در دهه ۱۹۳۰ به‌عنوان زندانی ناشناس مدتی را در چارچوب روش مشاهده مشارکتی^۳ با زندانیان زندگی کرد و خود را تبدیل به محکوم به حبس نمود. کتاب وی در واقع نتایج مطالعات میدانی و مصاحبه با زندانیان است. محتوای کتاب حاصل

^۱. این مفهوم (prisonization)، شاخص «تجربه اجتماعی» است که زندانیان در طول مدت اقامت در محل حبس کسب می‌کنند و شامل زندگی واقعی و برداشت خاصی از زمان، روابط، مکان، قواعد رفتاری، نقش‌ها و ... توسط فرد زندانی می‌شود. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۷، ص ۲۳۴.

^۲. Donald Clemmer.

^۳. Participant observation.

۵۰ زندگی‌نامه از محکومان به حبس، ۱۹۰ مصاحبه نیمه مستقیم و ۱۷۴ پرسشنامه طی ده سال پژوهش در زندان است.

فرآیند فرهنگ‌پذیری از زندان، با انتقال وی به زندان و از طریق تغییر هویت زندانی، یعنی از آن‌چه در بیرون بوده و به یک زندانی تبدیل شده است، آغاز می‌شود که این تغییر و انتقال بلافاصله اتفاق می‌افتد. پس از پذیرش زندانیان در زندان، آنان مجبور به قبول نقش یک فرد فرمانبر در سلسله مراتب زندان می‌شوند. به همان اندازه که اهمیت دارد، یک شماره، جایگزین نام زندانی، لباس زندان جایگزین لباس عادی و راه و روش جاری در زندان، جایگزین روش‌های فرد در محیط آزاد می‌شود. یکی از جنبه‌های پدیده پذیرش فرهنگ زندان، زبان خاص مورد استفاده زندانیان در زندان است. حتی زندانیانی که از این گویش زبان اصطلاحاً زرگری استفاده نمی‌کنند، سریعاً چرایی، هدف و استفاده آن را فرا می‌گیرند.^۱ گویش زبان مرسوم در زندان، یکی از نشانه‌های زندان است که اندیشه حاکم بر آن را منعکس می‌کند. این نوع زبان به زندانیان اجازه می‌دهد که در تجربه زندگی مشترک با یکدیگر شریک شوند، چنان‌که در برخی مواقع موجب ارتقای همبستگی و خلوت زندانیان در برابر زندانبانان می‌گردد.^۲ پنجاه سال پس از مطالعات جامعه‌شناختی کلمر، بنیانگذاران و طرفداران جرم‌شناسی محکومان (جامعه‌شناسی زندانیان) که خود زندانیان سابق بودند و با ادامه تحصیل در زندان، موفق به دریافت مدارک تحصیلی بالای جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... شدند، به این اعتقاد رسیدند که تاکنون پژوهش‌گران زندان را مطالعه کرده و نظر داده‌اند که به صورت عملی به مطالعه آن‌چه در درون محیط زندان می‌گذرد، ورود نکرده‌اند و از بیرون، مؤسسات سالب آزادی را از جمله با مصاحبه با زندانیان مشاهده کردند. درحالی‌که باید زندگی و کار و برنامه روزانه زندانیان را از نزدیک ملاحظه کرد،

^۱. برای مطالعه بیشتر رک به: نبوی، ابراهیم، سالن ۶: یادداشت‌های روزانه زندان، تهران، نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۱؛ رضانی، آرش، نغمه‌هایی از پشت دیوار، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۹۸.

^۲. برای مطالعه بیشتر رک به: ویلیامز، فرانک و مک شین، مارلین، پذیرش فرهنگ زندان، ترجمه حسین غلامی، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۷، ۱۳۸۱ و معصومه، تحلیل آثار حبس بر زندانیان در پرتو قوانین سه گانه تقلید گابریل تارد، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۵.

محیط زندان را روزانه لمس و تجربه کرد. به نظر آنان، باید پژوهش در عدالت کیفری^۱ را با تأکید بر واقعیت‌های زندان و زندانبانی انجام داد و در این میان زیسته روزانه زندانیان را مشاهده کرد، زیرا بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته درباره زندان، تنها نظرات زندانبانان و ملاحظات مدیران آن و مصاحبه با محکومان را منعکس می‌کند و از آن چه محکومان در زندان تجربه و تحمل می‌کنند، بی‌اطلاع هستند.

بدین‌سان، زندانیان سابق و دانش‌آموختگان حاضر در حوزه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی با نقد مدیریت، شرایط زندگی، کاری و رفتار زندانبانان و ارائه پیشنهادها و اصلاحی، مکتب جرم‌شناسی محکومان را بنا نهادند.^۲

ج: زندان، یک نهاد - محیط بسته

زندان همان‌طور که گفته شد یک سازمان و محیط بسته اجتماعی است که ارتباطی بسیار اندک با دنیای بیرون دارد. در زندان، تمام اعمال و رفتار روزمره زندانیان پایش حضوری- ویدئویی می‌شود، خلوتی وجود ندارد، فعالیت‌های آنان بر اساس مقررات از قبل تعیین شده انجام می‌شود. زندان ممکن است هویت محکوم را از بین ببرد، به ویژه در زندان‌های بلندمدت، در شخصیت زندانی اختلال رفتاری-گفتاری به وجود می‌آورد که نتیجه آن پیروی محض و یا حالت تهاجمی است که گاه به شکل شورش اعتراض آمیز به شرایط و رفتار کارکنان در زندان نمایان می‌شود.^۳ در پدیده شورش، سلسله مراتبی به صورت نانوخته بین زندانیان وجود دارد و «قدیمی‌های زندان» مخاطب زندانبانان

^۱. پژوهش در نظام عدالت کیفری مستلزم بسترها و لوازمی است که وجود و جمع آنها امکان انجام مطالعات و برآوردهای علمی را میسر می‌سازد، برآوردها و ارزیابی‌هایی که در اصلاحات آن نظام بی‌تردید برای طرفداران جرم‌شناسی محکومان مفید است؛ دسترسی به آمار جنایی، گشودن بایگانی پرونده‌ها و امکان ارزیابی دوره‌ای برنامه‌های سازمان زندان درباره نحوه رفتار با زندانیان و ... از این دست می‌باشند. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱.

^۲. برای مطالعه بیشتر رک به: شیری، عباس (به کوشش)، دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷؛ ارل، رود، افق-های نوین در جرم‌شناسی محکومان: درون و بیرون، شاهیده، فرهاد (به کوشش)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.

^۳. برای مطالعه بیشتر رک به: آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.

واقع می‌شوند. در عمل آنان هستند که نظم را در بند و اتاق برقرار و تقسیم کار می‌کنند. از زاویه دیگر، می‌توان گفت که زندان، نهاد بسته فراگیر است. گافمن^۱ زندگی داخل زندان را به بیمارستان روانی تشبیه کرده است. بر این اساس، برای نهادهای بسته و تحت پایش مستمر، مانند بیمارستان روانی، زندان و یتیم‌خانه‌های خاص کودکان، دیگران تصمیم‌گیری می‌کنند و ساکنان آنها در برنامه‌ریزی و اداره نهادها نقشی ندارند. وجود فضای کنترلی در زندان نشان‌گر ویژگی تمامیت خواهی آن است. بر اساس نظر گافمن، زندانی پس از مدتی از خود بیگانه می‌شود و از آنجا که دیگران برای وی تصمیم می‌گیرند به دنبال هم‌نوایی خود با شرایط جدید است. هم‌نوایی در شرایطی ایجاد می‌شود که با هدف حفظ نظم یا اصلاح و پایش دائمی وجود داشته باشد. در ابتدا، تأسیس و اداره زندان در کشورهای غربی با الهام از مقررات مذهبی مجری در اداره دیرها و صومعه‌ها بوده است.^۲ در این چارچوب زندانی باید در مکانی ساکت و آرام نگهداری شود تا بتواند به خود اصلاحی پردازد، تنبه اخلاقی شود و از اعمال ارتكابی گذشته خود پشیمان شود. به همین جهت، زندان را ندامتگاه (مراکز توبه)^۳ می‌نامیدند.

د: خُرده فرهنگ زندان

برخی بر این باورند که فرهنگ زندان محصول محیط بسته زندان نمی‌باشد، بلکه فرهنگ زندان محصول کنش و واکنش میان فرهنگ زندان با فرهنگ‌هایی است که زندانیان از بیرون به درون زندان منتقل می‌نمایند؛ فرهنگ زندان از در هم آمیزی فرهنگ‌هایی که زندانیان از خارج زندان به درون آن منتقل می‌کنند با آداب و رسوم حاکم بر محیط زندان پدید می‌آید. زندان از ساکنانی تشکیل شده است که آداب و رسوم خاص خود در محیط باز و آزاد را

^۱. Goffman.

^۲. از آنجا که اروپا در قرون وسطی تحت سیطره کلیسا بود و به مجازات به عنوان کفاره گناهان نگریسته می‌شد مجرم بایستی با تعذیب از وجود گناه پاک می‌شد. از همین رو، نهاد زندان که نسبت به مجازات‌های بدنی، کیفر ملایم‌تری به شمار می‌رفت، در قرن هجدهم به تدریج گسترش یافت. مارتینز، رنه، تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

^۳. Penitentiary Centres.

داشته و در زندان به زندگی مشترک، تبادل اطلاعات، تجربیات، خاطرات به یکدیگر می‌پردازند و فرهنگ زندان را شکل می‌بخشند.

بر همین اساس، باید میان زندانیان سابقه‌دار و سردسته گروه‌های مجرمانه با زندانیان بی‌سابقه کیفری تفاوت قائل شد. در سازمان‌های جنایی مانند مافیا، مرام‌نامه نوشته وجود دارد، لذا وقتی به حبس محکوم شده و وارد زندان می‌شوند در زندان هم همچنان می‌خواهند به عنوان رئیس یا سردسته همان مرام‌نامه و سازمان‌یافتگی سلسله‌مراتبی را جاری کنند و دیگر زندانیان را تحت حاکمیت خود قرار دهند؛ اما مجرمان بی‌سابقه، محکومان مالی یا عاجزان از پرداخت جزای نقدی، فرهنگ زندان را تحمل می‌کنند. بدین ترتیب، زندانیان، با توجه به مدت محکومیت به حبس، با خروج از زندان، گداهای رفتاری-زبانی-فرهنگی زندان را به جامعه آزاد منتقل می‌کنند. در این میان، بسیاری از رفتارها و اصطلاحات کاربردی در زندان، تحت تأثیر زیسته محکومان به حبس و انواع روابط بین آنان به تدریج شکل می‌گیرد و منتقل می‌شود.

در هر حال، درجه هم‌نوایی زندانیان با مقررات داخلی زندان معمولاً در سه مقطع متفاوت است. (۱) ابتدای دوران حبس: در این مرحله درجه انطباق زندانی تازه وارد بالا است. (۲) اواسط دوره حبس: در این دوران، میزان انطباق کم می‌شود و گداهای رفتاری زندانیان بر گداهای رسمی و مقررات و آیین‌نامه زندان غلبه می‌کند. شورش و اعتراض‌ها نیز زیاد می‌شود. (۳) انتهای مدت زندان: در این مقطع، از آنجا که زندانی در آستانه ترخیص است یا می‌خواهد از امتیاز آزادی مشروط و تدابیر ارفاق‌آمیز استفاده نماید، درجه هم‌نوایی بالایی از خود نشان می‌دهد. زندانی تلاش می‌کند تا حسن اخلاق و رفتار از خود نشان دهد.

در این چارچوب، میان زندانیان و زندانبانان همواره نوعی تقابل و "زورآزمایی" وجود دارد. از همین رو، برای ایجاد نوعی حفظ و استمرار نظم در محیط زندان، به عبارتی، امتیازهایی به برخی زندانیان داده می‌شود. برای نمونه،

در فرانسه تعداد زندانیان عرب و آفریقایی تبار نسبت به زندانیان فرانسوی تبار خیلی بیشتر است، به همین جهت زندانبانان سعی می‌کنند تا آداب و رسوم قومی-مذهبی آنها را که گاه خلاف مقررات زندان است رعایت کنند، تا از این گذر از اعتراض‌های خشونت‌آمیز آنان پیشگیری نمایند.

۵: مکان‌های سلب آزادی

همان‌گونه که پیشتر هم اشاره شد، علاوه بر زندان، بازداشتگاه و تحت‌نظرگاه هم، محل سلب آزادی افراد است.^۱

۱. تحت نظرگاه

تحت‌نظر به عنوان یکی از نهادهای قانونی مانند حبس و بازداشت موقت منجر به سلب حق آزادی رفت و آمد فرد شده و برای ساعاتی آزادی وی را محدود می‌نماید.^۲ سلب آزادی و تحت نظر گرفتن متهمی مجاز است که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد. بر اساس بند «د» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی مصوب ۱۳۹۱ تحت‌نظرگاه مکانی است که متهمان حسب مورد به دستور مقام قضایی یا در جرایم مشهود به موجب قانون بر اساس گزارش کتبی ضابطان و مقامات ذی‌صلاح قانونی تا تسلیم به مقام قضایی و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت در آن محل نگهداری می‌شوند. بر اساس ماده ۴۶ قانون آیین

^۱ علاوه بر موارد فوق، نهادهای سلب آزادی دیگری نیز وجود دارد: ۱. نگهداری در قرنطینه: در زمان بروز بیماری‌های خاص، دولت‌ها می‌توانند افرادی را که به کشور وارد می‌شوند در مکان‌های مشخصی نگهداری کنند و در این شرایط، افراد تحت قرنطینه نیز همان حقوق اشخاص محروم از آزادی را باید داشته باشند. ۲. حبس اخلال‌کنندگان در نظم دادگاه: بر اساس ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادگاه می‌تواند دستور حبس اصحاب دعوی که موجب اخلال در نظم دادگاه می‌شوند را بدهد. ۳. نگهداری تأمین‌گر مجرمان دارای اختلال مشاعر: در ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی سلب آزادی پیشگیری محور افراد دارای اختلال روانی، برای تأمین امنیت عموم و پیشگیری از تکرار جرم احتمالی مجرمان خطرناک پیش‌بینی شده است. برای مطالعه بیشتر رک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و رضوانی، سوده، سلب آزادی پیشگیری محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۳۹۴؛ برگی، مهدی، نظام حقوقی سلب آزادی در ایران و مقررات بین‌المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.

^۲ برای مطالعه بیشتر رک به: القاضی مهر، علی، جانی‌پور، علی و ابراهیمی، شهرام، کنترل تحت‌نظر در حقوق کیفری ایران و فرانسه، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۷ و القاضی مهر، علی، جانی‌پور، علی و ابراهیمی، شهرام، مطالعه تطبیقی کنترل تحت‌نظرگاه پلیسی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیستم، شماره اول، ۱۳۹۷.

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابطان دادگستری در جرایم مشهود حداکثر تا ۲۴ ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر قرار دهند. تحت نظرگاه زیرمجموعه زندان نیست و مدت آن هم برخلاف زندان، جزو مدت حبس به‌شمار نمی‌آید. از آنجا که در تحت نظر آزادی متهم سلب می‌شود، وی از حقوقی مانند منع شکنجه، نگهداری در محل مناسب، دسترسی به وکیل، حق سکوت، حق اطلاع به خانواده و... برخوردار است. امروزه برخلاف مکتب کلاسیک که تحت نظر نگه داشتن متهم را رنج‌آور می‌دانست و اعتقاد به کوتاه بودن مدت آن داشتند،^۱ رویکردهای امنیت‌محور، افزایش مدت تحت نظر را، علاوه بر نقش مؤثر در کشف جرم و شناسایی شرکا یا معاونین احتمالی برخی جرایم (مانند جرایم تروریستی)، در بازگشت آرامش به جامعه بی‌تأثیر نمی‌داند. در هر حال، اصول ۳۲ و ۳۹ قانون اساسی به حقوق فردی که دستگیر شده اشاره کرده است که منظور از آن تحت نظر می‌باشد. با این حال، بهتر بود در مواد ۲ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که شامل تشریفات دادرسی عادلانه می‌شود، به حقوق فرد در تحت نظرگاه نیز اشاره و ضمانت اجرا دار می‌شد.

۲. بازداشتگاه

بازداشتگاه محل نگهداری متهمان است و به عبارتی، اتاق انتظار دادگاه‌های کیفری محسوب می‌شود. بر اساس بند ۳ قسمت «ب» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰، بازداشتگاه، "محل نگهداری موقت متهم تحت قرار تأمین کیفری است که با دستور کتبی مقام قضایی یا قانونی صلاحیت‌دار، به آنجا معرفی ... و شامل بازداشتگاه‌های عمومی، امنیتی، انتظامی یا نظامی می‌باشد".

در بازداشتگاه‌ها نیز مانند زندان، انتقال فرهنگ و پدیده فرهنگ‌پذیری بسته به مدت اقامت متهم وجود دارد، ضمن آنکه گاه به لحاظ فقدان محل خاصی به نام بازداشتگاه، افرادی که در بازداشت به سر می‌برند با محکومان هم بند

^۱. برای مطالعه بیشتر رک به: بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۷.

هستند و با آنان معاشرت و همنشینی دارند. ماهیت و اداره غیرشفاف بازداشتگاه‌ها ممکن است زمینه نقض حقوق بازداشتی‌ها را فراهم کند. این موضوع در مورد متهمان سیاسی (متهمان فکری-عقیدتی) از حساسیت بیشتری برخوردار است. بر همین اساس، از آنجا که امکان سوء استفاده از قدرت و نقض حقوق متهمان وجود دارد، نظارت بیرونی، به‌ویژه نمایندگان جامعه مدنی در قالب سَمَن‌ها بر بازداشتگاه‌ها، حزب‌های مستقل و رسانه‌های آزاد و به‌ویژه نمایندگان پارلمان بسیار کارساز است، امری که در کشورهای دموکراتیک اجرا و موجب ارتقاء کیفیت زندان‌بانی کرامت‌مدار می‌شود. عدم نظارت مستقل در نهایت منجر به ایجاد بازداشتگاه‌های پنهان و غیرقانونی می‌شود. بر همین اساس است که مثلاً در حقوق ایران، ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰ مراجع قضایی، اجرایی، امنیتی، نظامی و انتظامی را از داشتن زندان و بازداشتگاه‌های اختصاصی منع کرده است. بند «ب» ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز نوعی نظارت درون سیستمی یا قضایی را برای زندان و بازداشتگاه پیش‌بینی کرده و قاضی اجرای احکام کیفری را موظف به نظارت نموده است. پایش برون سازمانی نحوه مدیریت، زندان‌بانی و رفتار با زندانیان بی‌گمان کارآمدی بسیار بیشتری دارد و به مدیریت زندان مشروعیت اجتماعی می‌دهد.

۳. زندان

در طول تاریخ حقوق کیفری، حبس کارکردهای مختلفی داشته است: سیاه چاله‌هایی برای رهایی روح شیطانی مجرمان، محلی برای طرد و کنارگذاری مجرمان خطرناک، مکانی برای نگهداری افراد دستگیر شده یا منتظر اجرای کیفرهای بدنی و مکانی برای بازپروری و به‌سازی محکومان. در رویکرد طرد، کارکرد زندان را باید در نگهداری مجرمان خطرناک که امیدی به اصلاح و درمان آنها نیست جستجو کرد. بدین‌سان، با توجه به اینکه در بسیاری از کشورها کیفر مرگ لغو شده است، مجازات زندان کاربرد زیادی برای این‌گونه بزهکاران پیدا کرده است. با توجه

به اینکه در بسیاری از کشورها، مجازات‌های بدنی و اعدام لغو شده است، سلب آزادی همان‌گونه که بارها گفته شد تنها ضمانت اجرای خاص حقوق کیفری به شمار می‌آید. سایر ضمانت اجراها بیشتر از حقوق اداری و مدنی عاریه گرفته شده است. انواع زندان باز، نیمه باز، بسته و... تابع نوع محکومیت و سابقه محکوم پیش‌بینی شده است. زندان نیز به نوبه خود برای استمرار زندگی و نظم، ضمانت اجراهای انضباطی دارد، به نحوی که اگر علیه مقررات زندان تخلفی صورت بگیرد محرومیت‌هایی مانند محرومیت از هواخوری، محرومیت از ملاقات، اعزام به سلول انفرادی و ... اعمال می‌شود. پس داخل زندان هم نوعی سلب حقوق و آزادی از نوع انضباطی برای محکومان متخلف وجود دارد که در چارچوب تدابیر انضباطی اعمال می‌شود. بدین ترتیب است که رعایت حقوق زندانیان و ضابطه‌مند کردن اختیارات زندانبانان و پایش مدیریت زندان، موضوعیت پیدا می‌کند.

۴. مراکز نگهداری الکترونیکی محکومین به حبس

با تولد فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، امکان سلب آزادی افراد در محل زندگی و کار آنان و جامعه فراهم شده است. از همین رو، برای احراز سلب آزادی تأکید بر آن است که محکوم در شعاع معینی کار و اقامت کند، رفتارهایی را انجام بدهد و بعضی اعمال را انجام ندهد و از مرکزی در زندان او را پایش الکترونیکی نمایند.^۱ هدف اصلی این سازوکار، تورم‌زدایی از جمعیت کیفری زندان، جلوگیری از انقطاع اجتماعی، اقتصادی و شغلی زندانی و کاهش هزینه زندانبانی است. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که «حبس الکترونیکی»، جایگزین کیفر سالب آزادی نیست، زیرا آزادی رفت و آمد محکوم همچنان محدود است و فقط محل سلب آزادی بیرون از زندان و مثلاً در خانه یا محل کار او است. در نهادهای آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی مجازات نیز که محدودیت‌هایی برای مجرم وجود دارد، بازهم نوعی محدود کردن آزادی به شمار می‌رود. به عبارتی می‌توان گفت که جمعیت زندان

^۱ . طبق ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرایم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار دهد».

کوه یخی است که فقط نوک آن یعنی جمعیت کیفری داخل زندان دیده می شود؛ بخشی از محکومان به حبس، سلب و محدودیت آزادی را در محیط های باز سپری می کنند. در هر حال، این سازوکار آثاری دارد که از دیدگاه جامعه شناسی زندان قابل بررسی است. مراکز حبس الکترونیکی علاوه بر کاهش هزینه های نگهداری زندانی برای دولت ها، به نوعی به زندان زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان منجر می شود؛ زندانی از فعالیت اجتماعی و خانواده خود دور نمی شود و فرهنگ زندان را تجربه نمی کند. با این حال، مسأله حریم خصوصی محکوم تحت نظارت، از یک سو و پذیرش اجتماعی حبس الکترونیکی و برداشت افکار عمومی از آن و تحقق اهداف مجازات ها مانند بازدارندگی-عبرت آموزی، از سوی دیگر قابل بررسی است.

گفتار سوم: ساکنان (باشندگان) و گنش گران زندان

جامعه شناسی زندان، حبس را همان گونه که پیشتر هم گفته شد، به عنوان یک محیط اجتماعی^۱ مطالعه می کند که ساکنان و گنش گران مختلفی مانند متهم، محکوم، زندان بان، مددکار اجتماعی، پزشک، دندان پزشک، مربی آموزشی، ورزشی و هنری، آموزگار، مدیر، پلیس، قاضی ناظر زندان، روحانی... دارد^۲ که هر یک از آنان حقوق، تکالیف و وظایفی دارند. جامعه شناسی زندان از یک طرف، بدنبال مطالعه روابط اجتماعی زندانیان با یکدیگر، روابط زندانیان با کنش گران زندان، روابط گنش گران زندان با یکدیگر و نحوه کار و زندگی مشترک آنها است و

۱. در جامعه شناسی جنایی محیط را در سه دسته قرار می دهند: ۱. محیط طبیعی، ۲. محیط اجتماعی حقیقی و ۳. محیط اجتماعی مجازی (سایبری). محیط اجتماعی حقیقی به دو دسته محیط اجتماعی عمومی (مانند نظام اقتصادی و فرهنگی) و شخصی تقسیم می شود. محیط اجتماعی شخصی، اوضاع و احوال و اطرافیان بلاواسطه و نزدیک افراد است که در آن قاعدتاً تربیت مدنی و جامعه پذیر یا بازاجتماعی می شوند. محیط تحمیلی کیفری یکی از محیط های مذکور است که متهم یا بزهکار به مناسبت تحقیقات، تعقیب، محاکمه کیفری و تحمل محکومیت برای مدتی یا برای ابد در آن نگهداری می شود. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم شناسی حقوق کیفری عمومی)، در: دایره المعارف علوم جنایی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ویراست دوم، ۱۳۹۵.

۲. در کشورهای اروپایی به اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در حوزه حمایت از حقوق زندانی و خانواده او، اجازه داده می شود که به ملاقات محکومانی بروند که خانواده ندارند یا خارجی هستند و کسی به ملاقات آنان نمی آید.

از طرف دیگر، ساختار و تشکیلات زندان و فرهنگ حاکم بر آن، به عنوان یک محیط اجتماعی و نیز آثار بیرونی زندان (در جامعه) را بررسی می‌کند. زندان نیز مانند جامعه آزاد دارای اعضاء مختلف با نقش‌ها، گذشته‌های کیفری و غیر کیفری، تجربه‌ها، تخصص‌ها، تحصیلات، جنسیت‌ها، سن‌ها و ... مختلف با آینده‌های متفاوت است. بدین‌سان، ساکنان و کُنشگران زندان در معنای موسع معمولاً در سه دسته مطالعه می‌شوند: محکومان، متهمان و کُنشگران اداری، انتظامی، بهداشتی، فرهنگی، هنری، مذهبی، حرفه‌ای، قضایی....

الف: ترکیب اجتماعی جمعیت کیفری زندان

در زندان نیز مانند جامعه بیرون از آن، جمعیتی با ویژگی‌های خاص در کنار هم زندگی می‌کنند که خصوصیات و روابط اجتماعی و بین فردی آنان از موضوعات جامعه‌شناسی زندان است.

۱. جنسیت

در همه کشورهای جهان جمعیت کیفری زندان غالباً متشکل از مردان است، اما آیا این موضوع به معنای آن است که مردان بیشتر از زنان مرتکب جرم می‌شوند؟ پاسخ نسبت به همه جرایم ارتكابی صریح نیست. ممکن است کم بودن جمعیت کیفری زنان ناشی از نحوه برخورد قضات دادسرا و دادگاه با زنان متهم باشد. به عبارت دیگر، به دلیل وجود فرهنگ مردانه در دستگاه عدالت کیفری^۱ و نگاه تسامحی به جنس مؤنث (عامل جوانمردی)، از یک سو و تمایل کمتر به صدور قرار بازداشت موقت و محکومیت به حبس برای زنان، از سوی دیگر، جمعیت کیفری زنان کمتر است^۲ حضور زنان در بعضی مظاهر بزهکاری ممکن است کمتر و در بعضی دیگر بیشتر باشد. همچنین، با

۱. البته باید اضافه کرد که حضور زنان در مشاغل قضایی-وکالتی-حقوقی، به ویژه در کشورهای مردم‌سالار که به برابری انسان‌ها صرفنظر از جنسیت، اعتقاد قانونی و عملی دارند، در چند دهه اخیر چشمگیر شده است.

۲. برای مطالعه بیشتر رک به: مهرا، نسرین (به کوشش)، زن و حقوق کیفری: مجموعه مقاله‌ها، نتایج کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری، تهران، انتشارات سلسبیل، چاپ اول، ۱۳۸۴.

توجه به موقعیت زنان در خانه و مسئولیت‌های اجتماعی، بیشتر مرتکب جرایمی می‌شوند که در آمار جنایی جزوه رقم سیاه است، چون کشف نمی‌شوند یا بزه‌دیده اعلام جرم نمی‌کند یا مشمول گذشت اجتماعی می‌شود. آسیب پذیری بالای زنان زندانی و روحیات خلقی و عاطفی آنان در مقایسه با مردان، موجب هم‌نوایی و تطبیق بیشتر آنها با شرایط زندان می‌شود. موضوع دیگر، مادران زندانی و نگهداری فرزندان خردسال آنان و نیز رفتار کنشگران با محکومان زن و روابط زنان زندانی با یکدیگر است.

۲. سن

امروزه زندان‌ها بر اساس سن و جنسیت طبقه بندی می‌شوند. با این حال، بیشتر مطالعات جامعه‌شناختی زندان بر افراد بالغ و بزرگسال تمرکز دارد. تفاوت در نوع خشونت‌ها در زندان زنان نسبت به زندان مردان، تفاوت در نوع رابطه و میزان هم‌نوایی آنها، از نظر سنی ارتکاب جرایم و تخلفات انضباطی خاص توسط زنان از نظر سنی در زندان، تفاوت دنیای زنان با دختران، کدهای رفتاری متفاوت مردان و زنان در طبقه‌های سنی مختلف از مهم‌ترین دلایل تفکیک جامعه‌شناسی زندان مردان، زنان و کانون‌های اصلاح و تربیت است.

پایین بودن جمعیت کیفری کودکان و نوجوانان هم دلیلی برای پایین بودن میزان جرایم ارتكابی آنان نیست. تسامح و گذشت بزه‌دیدگان، ضابطان و قضات در قبال نوجوانان بزه‌کار و رقم سیاه بزه‌کاری کودکان و نوجوانان نیز در کم بودن جمعیت کیفری کانون‌های اصلاح و تربیت ممکن است نقش داشته باشد. مطالعه جامعه‌شناختی کانون‌های اصلاح و تربیت (جامعه‌شناسی کانون‌های اصلاح و تربیت) خود موضوع مستقل و مطالعه جداگانه‌ای را می‌طلبد.^۱

^۱ . برای مطالعه بیشتر رک به: بشیریه، تهمورث، دانشنامه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان: دیدگاه‌ها، مدل‌ها و گرایش‌های بین‌المللی، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۹۷.

۳. طبقه اجتماعی

محکومان به حبس در بیشتر کشورها، اغلب از قشر فقیر مادی و فرهنگی جامعه هستند. در جوامع مهاجرپذیر، جمعیت کیفری زندان‌ها، بیشتر از خارجیان تشکیل می‌شود. بر این اساس، آیا قشر فقیر نسبت به دیگران مرتکب جرایم بیشتری می‌شوند؟ پاسخ صریح نیست. زیرا از یک سو، رؤیت‌پذیری جرایم ارتكابی این طبقه اجتماعی بالا است، امکانات کمتری برای استفاده از وکیل در جهت دفاع از خود دارند و از سوی دیگر، نوع پوشش، بیان، ظاهر، وضعیت شغلی، خانوادگی و محل سکونت افراد فرو دست جامعه موجب ایجاد برخی انگاره‌های ذهنی در کنش‌گران عدالت کیفری می‌شود که ممکن است منجر به ایجاد نوعی پیش‌داوری و ترسیم نیم‌رخ بزهکاران در ذهن شود. در اذهان عمومی، فقر با جرم بیشتر همراه است تا ثروت و جرم. این نوع پیش‌داوری‌های عمومی که با ملاحظات جرم‌شناختی فاصله دارد، بی‌گمان در قضاوت افکار عمومی و کنشگران عدالت کیفری تأثیر می‌گذارد و در نتیجه موجب سخت‌گیری پلیسی - کیفری بیشتری نسبت به متهمان این قشر می‌شود. این موضوع بیانگر تأثیر متغیرهای فراقانونی و جامعه‌شناختی در برابری افراد در برابر قانون است.

ب: کنش‌گران رسمی زندان

زندان به عنوان یک نهاد اجتماعی، کیفری، کنش‌گران مختلفی دارد که در اداره و هدایت آن نقش ایفا می‌کنند.

۱. زندان‌بان

جامعه‌شناسی زندان وضعیت اجتماعی کنش‌گران انتظامی، فرهنگی، آموزشی، حرفه‌آموزی، پزشکی و ... فعال در زندان و نیز روابط آنها با یکدیگر و با زندانیان را مطالعه می‌کند. بر این اساس، این سؤالات مطرح می‌شود که

زندان‌بانان نوعاً از چه قشر اجتماعی هر جامعه هستند، میزان تحصیلات، آموزش تخصصی آنها، میزان رضایت شغلی و دل‌بستگی حرفه‌ای به شغل مربوط چقدر است؟

احساس زندان‌بان و زندانی به رغم حضور در یک مکان بسته نسبت به شرایط و یک‌دیگر متضاد است. زندانی‌ها معمولاً، به ویژه در آغاز دوره محکومیت، با زندان‌بانان رابطه تنش‌آمیز و ناسازگار دارند. فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات بی‌گمان زندان‌بانی را متحول کرده است: زندان‌بانی سنتی و زندان‌بانی الکترونیکی؛ پیش‌های الکترونیکی، روابط تنش‌محور را کاهش می‌دهد، لیکن همزمان خلوت زندانی را نقض می‌کند. فن‌آوری‌های نوین، همان‌گونه که قبلاً هم اشاره کردیم، اجازه داده تا در کنار حبس سنتی، حبس‌های الکترونیکی داشته باشیم که آزادی رفت و آمد محکوم را نیز سلب و مستمر پایش می‌کند.

۲. مددکاران اجتماعی

مددکاری اجتماعی در زندان یکی از سازوکارهای بالینی برای شناسایی شخصیتی زندانیان و تحقق هدف اصلاح اخلاقی-فرهنگی مجرمان به شمار می‌آید. مددکاران اجتماعی در دوران حبس و نیز دوره پس از خروج از زندان، قاعداً و قانوناً با زندانی در ارتباط است. آنها پل ارتباطی میان زندانیان، مسئولان زندان و گاه خانواده زندانیان هستند. مددکاری اجتماعی یک رشته تخصصی دانشگاهی است، لذا مددکاران اجتماعی با جنبه‌های جرم‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی محروم‌شدگان از آزادی با تشکیل پرونده شخصیت آشنا می‌شوند؛ سپس تحول رفتار و کردار آنها را قاعداً به‌طور دوره‌ای کنترل می‌نمایند و در نتیجه، به مناسبت میزان تحول رفتاری، رفتار با آنها را تغییر می‌دهند و مکان‌نگهداری آنان در زندان را بازنگری می‌کنند. درحقوق ایران، بر اساس ماده ۲۸۱ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰، مددکار اجتماعی ظرف بیست و چهار ساعت از ورود مددجو، وی را مورد ارزیابی و مصاحبه قرار می‌دهد و او را برای سازگاری در شرایط جدید و

استفاده از امکانات کانون آماده می‌سازد. نتایج ارزیابی در پرونده شخصیت ثبت می‌شود. در این مدت مددکار اجتماعی ارتباط مددجو با والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی وی را برقرار و اطلاعات لازم از جمله علت دستگیری، نحوه، تاریخ، مکان، زمان ملاقات و نحوه تماس را به آنان ارائه می‌کند. علاوه بر این، مددکاران اجتماعی نقش مؤثری در آماده‌سازی زندانیان برای ترخیص از زندان دارند. بر همین اساس است که ماده ۱۷۰ آیین‌نامه به نقش حمایتی مددکاران اجتماعی در دو ماه قبل از ترخیص زندانی اشاره کرده است.

۳. مریدان آموزشی و کادر بهداشتی-پزشکی

یکی از راه‌های اصلی تحقق بازپروری مجرمان، وجود و نقش مریدان آموزشی، به ویژه در امور سواد و حرفه‌آموزی است. علاوه بر آن، معمولاً مریدان سوادآموزی، آموزگاران بازنشسته یا دانشجویان (در کشورهای اروپایی) به صورت داوطلبانه و افتخاری اقدام به آموزش زندانیان می‌کنند. نقش و سهم زندانیان دانش‌آموخته در تدریس و آموزش مثلاً زبان به هم‌بندی‌های خود را نیز می‌توان بررسی کرد. مؤسسات آموزش عالی غیرحضوری و آموزش مجازی فرصت‌های جدیدی برای ارتقاء سواد و دانش زندانیان علاقمند - به ویژه برای ادامه تحصیل - فراهم کرده است. بهداشت جسمی و روانی ساکنان مراکز سلب آزادی نیاز به حضور پزشک، روان‌پزشک و کارشناس بهداشت در زندان را ضروری ساخته است که مطالعه روابط زندانیان با این کنش‌گران موضوع مطالعات جامعه‌شناختی است. از آنجا که سلب آزادی یعنی محرومیت از ادامه فعالیت‌های شغلی، فرهنگی و ...، و قطع رابطه خانوادگی و اجتماعی را به دنبال دارد، لذا پیامدهای روانی و گاه جسمانی ناگواری را نیز موجب می‌شود (بیماری‌های روان‌تنی). چندان که موجب خشونت، پرخاشگری روابط پُرتنش بین خود زندانیان و زندانیان با کنش‌گران زندان می‌شود. لذا نقش ملاقات‌های خانوادگی، مرخصی‌های کاری، بهداشتی و ... در تعدیل این پیامدها مهم می‌نماید. راهکار دیگر در کاهش آثار روانی-جسمانی حبس و به ویژه جلوگیری از انقطاع شغلی و روابط خانوادگی، «تقسیم مدت تحمل

حبس» است، یعنی مدت تحمل حبس، با توجه به موقعیت اجتماعی مجرم، در دوره‌های مختلف صورت می‌گیرد. برای نمونه، اگر محکوم علیه کشاورز باشد و عمده فعالیت وی در ماه‌های تابستان و آغاز پاییز صورت می‌گیرد، در این صورت اجرای محکومیت حبس وی را به ماه‌های زمستانی و بهاری موکول می‌کنند (البته با گرفتن تضمینات لازم). بدین ترتیب، انقطاع و خلل شغلی و آسیب‌های اجتماعی دیگر برای چنین محکومی به جود نمی‌آید.

۴. روحانیون دین‌های مختلف

استفاده از ظرفیت روحانیون در انجام مراسم مذهبی زندانیان می‌تواند در تسکین معنوی و بازپروری محکومان، به عنوان یکی از اهداف مجازات‌ها نقش مؤثری داشته باشد. در کشورهای مهاجرپذیر و چند فرهنگی، نمایندگان همه ادیان در زندان حضور دارند. در ایران بر اساس ماده ۸۲ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰، در هر مؤسسه، ائمه جماعات و مربیان مذهبی جهت اقامه نماز جماعت و برگزاری دوره‌های آموزش مذهبی، با همکاری نهادهای فرهنگی از قبیل حوزه‌های علمیه، مراکز تربیت مربی و اعزام روحانی، حضور می‌یابند. روحانیون با برقراری ارتباط با زندانیان، پاسخ به پرسش‌ها و ابهامات آنها، گوش فرادادن به درد و دل‌های زندانیان و هدایت معنوی محکومان، بی‌گمان تحمل سلب آزادی، اصلاح اخلاقی و تسکین روانی را آسان‌تر می‌سازد؛ به ویژه زمانی که خود زندانیان برای مسائل و مشکلات خود متقاضی ملاقات با روحانی مذهب خود باشند.

گفتار چهارم: ارزیابی کارکرد زندان

از بعد از انقلاب، شش آیین‌نامه در خصوص زندان‌ها در نظام حقوقی ایران به تصویب رسیده است^۱ که آخرین آن «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» مصوب ۱۴۰۰ است. در همین راستا، از دیدگاه

^۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی ایران در قلمرو اداره زندان‌ها: تحول مستمر مقررات جزایی، دیباچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ویراست پنجم، ۱۳۸۷.

جامعه‌شناسی کیفری این سؤالات مطرح می‌شود که آیا این اصلاحات به دلیل تحول در رویه زندانبانی بوده است؟ یا تحت تأثیر فشارهای داخلی-بین‌المللی؟ آیا رشد آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی و لحاظ آنها در تحولات مقررات زندان تأثیرگذار بوده است؟ یا با توجه به کارنامه اجرای آیین‌نامه‌ها، ضرورت بازنگری آنها احساس شده است؟ یا اینکه بازنگری آیین‌نامه‌ها، به دلیل تحول در قشر و طبقه اجتماعی زندانیان در سال‌های اخیر از نظر سابقه تحصیلی، شغلی، سنی موقعیت اجتماعی و نوع جرایم ارتكابی، ضروری نموده است؟ آیا اصلاح آیین‌نامه‌ها در رفتار زندان-بانان و سیاست زندانبانی واقعاً اثربخش بوده است؟ اثربخشی آیین‌نامه در مرحله اجرا چقدر است؟ زیرا اصلاحات مقررات و تحول در سیاست زندانبانی بی‌گمان نیاز به تحول ذهنی متولیان زندانبانی و چه بسا گماردن نیروهای جدید آگاه از تحولات علمی کیفرشناسی و علم اداره زندان‌ها داشته باشد.

الف: تأثیر زندان بر تکرار جرم

اشخاصی که به کیفر حبس موقت محکوم می‌شوند، روزی از زندان آزاد می‌شوند، حتی محکومان به حبس ابد نیز با این امید که روزی به محیط باز، باز می‌گردند سلب آزادی را تحمل می‌کنند؛ در روش مطالعات پیگیر در زمان نسبت به زندانیان آزاد شده، همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، تحولات رفتاری، مکانی و شغلی محکومان ترخیص شده بررسی می‌شود تا مشخص شود که چه تعداد از آنان مرتکب تکرار جرم می‌شوند؟ فاصله زمانی آزادی تا تکرار جرم چه مدت است؟ در کدام محل مرتکب جرم می‌شوند؟ پس از ترخیص از زندان به چه افرادی مراجعه می‌کنند؟ شغل سابق خود را پی می‌گیرند؟ اگر دوباره مرتکب جرم شوند، نوع آن چیست؟ و ... این روش در واقع برای ارزیابی کارنامه کارکردهای سه‌گانه سزادهی، بازدارندگی و اصلاحی زندان است. از این‌رو، چنانچه زندانیان سابق پس از ترخیص، مرتکب تکرار جرم شوند به معنای آن است که زندان نیز در کارکردهای اصلاحی - عبرت

آموزی خود ناموفق بوده است. به عبارت دیگر، تکرار جرم نشان‌دهنده شکست نهاد زندان و زندانبانی موجود نیز است. در هر حال، دو رویکرد در ارتباط با تکرار جرم و زندان وجود دارد. رویکرد اول، به بررسی احتمال تکرار جرم محکومان سابق بعد از ترخیص از زندان می‌پردازد (رویکرد کلاسیک ناظر به تأثیر صرف زندان). در رویکرد دوم، تأثیر زندان در کنار تأثیر سایر عوامل در بستر محیط باز مطالعه می‌شود (رویکرد کلی). بدین سان، مجرمان سابق نه تنها به دلیل تجربه زیسته زندانی، بلکه ممکن است به لحاظ نوع قوانین و رفتار کنش‌گران عدالت کیفری مانند قاضی و پلیس، مشکلات خانوادگی و شغلی پس از آزادی، مرتکب تکرار جرم شوند. با این دیدگاه، تکرار جرم دیگر به معنای شکست زندان نیست، بلکه شکست کل عدالت اجتماعی و عدالت کیفری است. بر این اساس، این سؤال مطرح می‌شود که حبس موقت (کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت) چه تأثیری بر تکرار جرم می‌تواند داشته باشد؟ به هر حال تکرار جرم زندانی، معیار مناسبی برای ارزیابی کارکرد زندان نسبت به زندانیان سابق است. به عبارت دیگر، تکرار حاکی از شکست دستگاه عدالت کیفری و به‌ویژه زندان در تحقق اهداف آن می‌تواند باشد.

ب: نقش دموکراسی در کارکرد زندان

کیفر به عنوان یک ضمانت اجرای دولتی، ابزار قهریه حکومت‌ها برای حفظ نظم و امنیت است. زندان مانند جامعه باز که در پرتو قوانین و مقررات تنظیم می‌شود، مشمول مقررات خاص رفتاری است. زندگی شبانه‌روزی زندانیان بر اساس آیین‌نامه شکل می‌گیرد که ضمانت اجرای انضباطی دارد، برای حفظ آرامش محیط کیفری زندان، زندان-بانان ناگزیر از نوع انعطاف‌پذیری در اجرای مقررات می‌شوند.

اداره و مدل زندان و زندانبانی به عنوان مهم‌ترین جلوه اعمال قدرت، بستگی به نوع نظام سیاسی و مدل سیاست جنایی حاکم بر هر جامعه دارد. دموکرات یا اقتدارگرا بودن حکومت نقش مؤثری در نوع زندانبانی نیز دارد. به عبارتی، تفکر مدیریت زندان و نحوه زندانبانی، خود آینه مدیریت سیاسی هر جامعه و سیاست‌های کلی و به‌ویژه

مدل سیاست جنایی حکومت مربوط نیز است. به همین جهت است که تقسیم کردن قدرت با نهادهای مدنی و مشارکت دادن مردم در امور سیاسی-اجتماعی از جمله مدیریت مؤسسات کیفری بستگی به مدل سیاسی هر حکومت دارد. در دولت‌های اقتدارگرا دولت تحمل تقسیم قدرت را با جامعه مدنی و مردم، قانوناً و عملاً ندارد و خود را متولی همه امور می‌داند، زیرا اعتقاد و اعتنایی به مردم ندارد از این منظر زندان، مکان صرف سلب آزادی، خود شاخصی از نوع حکمرانی سیاسی نیز است.

در مدل دموکراتیک زندانبانی، محکوم در مرحله تحمل مجازات نیز دارای حقوقی است که باید رعایت شود. تشکیل دادگاه‌های اجرای مجازات‌ها- قبلاً هم گفته شد- دقیقاً برای رسیدگی به این حقوق و نیز تظلم‌خواهی زندانی است. در این مدل، مشارکت سمن‌ها در زندانبانی برای مسائل آموزشی، حرفه‌آموزی و فرهنگی پُررنگ است؛ زندانیان نیز در اجرای بعضی برنامه‌ها حضور و نماینده دارند و نوعی تعامل بین زندانیان و زندانبانان برای اداره مؤسسه کیفری وجود دارد، دیدگاه‌ها، مطالبات و صدای آنان، بدین‌سان، شنیده می‌شود. با مشارکت دادن زندانیان در اداره امور زندان، گروه‌های مقاوم در برابر مقررات کمرنگ و شورش و اعتصاب هم کمتر می‌شود. در جامعه دموکراتیک، زندانبانی و نوع رفتار با زندانیان نیز شفاف است. این شفافیت به زندانیان اطمینان می‌دهد که رفتار شکنجه‌محور زندانبانان و استفاده از سلول‌های انفرادی بلافاصله واکنش جامعه مدنی و افکار عمومی را علیه دستگاه قضایی برمی‌انگیزد، زیرا در نظام زندانبانی دموکراتیک، محیط زندان و شرایط حاکم بر آن به جامعه آزاد هرچه بیشتر نزدیک است و نزدیک می‌شود. آزادی ارزش والای انسانی که موجب بالندگی، خلاقیت و تعالی اجتماعی فرد در جامعه آزاد می‌شود از او سلب می‌گردد که خود بالاترین تنبیه است. بنابراین دیگر لازم نمی‌دانند که زندانی با اعمال شاقه، خشونت دولتی و تنبیه‌های مضاعف همراه شود و بدین‌سان، زندانی، به جای باز اجتماعی

شدن، ضدا اجتماعی تر شود.^۱ در مدل خودانتظامی/خودکنترلی معمول در زندانبانی دموکراتیک، گاه حفظ نظم زندان را به خود زندانیان واگذار می‌کنند. در این مدل، افزون بر تنبیه زندانیان، عبرت‌آموزی و ارباب‌انگیزی که ناشی از سلب آزادی است، آینده آنها را نیز در نظر می‌گیرند. زندان دیگر به عنوان "پارکینگ" انسان‌ها اداره نمی‌شود؛ لذا سلب آزادی همراه با انعطاف‌پذیری تقنینی و آیین‌نامه‌ای است. بدین‌سان، سلب آزادی همراه با شکنجه، کار اجباری و بیگاری نیست. از مضاعف شدن رنج ناشی از محرومیت از آزادی هم اجتناب می‌شود. تعامل زندانیان و زندانبان در اداره بعضی امور زندان هم جنبه تربیتی و سازندگی برای زندانی دارد و هم مدیریت و آرامش زندان را در بعضی مواقع تسهیل می‌کند.

نلسون ماندلا درباره رابطه زندانبانی با نوع حکمرانی سیاسی به درستی گفته است که: «هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی شناخت یک ملت باشد، مگر آنکه درون زندان‌های آن [جامعه] را دیده باشد. یک ملت [حکومت] را نه بر اساس شیوه رفتار با شهروندان عالی رتبه، که طبق برخورد با افراد ضعیف و آسیب‌پذیر قضاوت می‌کنند».^۲

^۱ . برای مطالعه بیشتر رک. به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، رویکرد جرم‌شناختی «قانون حقوق شهروندی»، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۸.

^۲ . به نقل از ابراهیمی، شهرام، مدیریت زندان در سنجه موازین حداقل سازمان ملل متحد درباره نحوه رفتار با زندانیان، منبع پیشین، ص ۹۲۷.

کتاب‌شناسی مختصر

۱. ابراهیمی، شهرام (مترجم)، پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲. ابراهیمی، شهرام و ایزدی، عبدالله، مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی و درمانی، در مرحله اجرای مجازات زندان در ایران و کانادا، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، شماره ۳، ۱۳۹۱.
۳. ابراهیمی، شهرام، مدیریت زندان در سنجۀ موازین حداقل سازمان ملل دربارهٔ نحوهٔ رفتار با زندانیان، در: دایره-المعارف علوم جنایی، کتاب چهارم، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۴. اِ رل، رود، افق‌های نوین در جرم‌شناسی محکومان: درون و بیرون، شاهیده، فرهاد (به کوشش)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۵. آشوری، محمد، جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶. آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر جهش، چاپ دوم، ویراست دوم، ۱۳۹۹.
۷. آشوری، محمد، حق متهم بی‌گناه به جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۸. آلبرشت، هانس یورگ، تورم جمعیت زندان‌ها در جست و جوی کارآمدترین راه‌حل‌ها، ترجمه جمعی از اساتید، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۹. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
۱۰. باقی، عمادالدین، دنیای بسته: جامعه‌شناسی و روانشناسی زندان از درون، تهران، انتشارات سرایی، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۱. بدی، کران، غیرممکن وجود ندارد (اصلاحات در یکی از بزرگترین زندان‌های جهان)، ترجمه گیتا گرگانی، تهران، انتشارات نوروز هنر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۲. برغی، مهدی، نظام حقوقی سلب آزادی در ایران و مقررات بین‌المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.
۱۳. بشیریه، تهمورث، دانشنامه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان: دیدگاه‌ها، مدل‌ها و گرایش‌های بین‌المللی، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۹۷.

۱۴. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۷.
۱۵. بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ویراست پنجم، ۱۴۰۰.
۱۶. پاک نهاد، امیر، تحولات نوین زندان از درمانگاه مجرمین تا زباله‌دان اجتماعی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۳، ۱۳۸۹.
۱۷. پرچی، داود و درخشان، فاطمه، مجازات‌های جایگزین حبس و کاهش جرم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۱۸. حاجی تبار فیروزجایی، حسن و صفاری، علی، مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۹. حقره، امین، فرهنگ محبس: واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی در زندان‌های ایران، رشت، انتشارات ایلیا، چاپ اول، ۱۴۰۰.
۲۰. حکیمی، آزاده، اصلاح نظام زندان‌ها و زندان در پرتو تجربه‌های و دیدگاه‌های زندانیان سابق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۲.
۲۱. خانی، حمیدرضا، بررسی میدانی کارکرد نهادهای پساندازندگان در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۵.
۲۲. داداش‌زاده، کاوه، پادشاه زندان‌ها (خاطرات زندان)، تهران، انتشارات خجسته، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۲۳. دانش، تاج‌زمان، حقوق زندانیان و علم زندانها، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۲۴. رحیمیان، رضا و دیگران، حبس‌گذاری و حبس‌گزینی حدافلی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه)، تهران، انتشارات دانشگاه علوم قضایی، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۲۵. رضانی، آرش، نغمه‌هایی از پشت دیوار، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۲۶. رویه‌علی در زندان: کاربرد مقررات بین‌المللی در امور زندان‌ها، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱.
۲۷. ساندز، بابی، زندان نوشته‌های بابی ساندز، تهران، انتشارات قطره، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۸. سند بین‌المللی بهبودی نظام زندانبانی، ترجمه حسن طغرانگار، انتشارات راه تربیت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۲۹. شمس، علی، حقوق زندانیان، تهران، انتشارات راه تربیت، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۳۰. صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا، تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان پس از آزادی، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۳، ۱۳۹۳.
۳۱. صفاری، علی، انواع زندان‌ها و افراد قابل پذیرش در آنها، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۳، ۱۳۸۶.
۳۲. صفاری، علی، کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۹.
۳۳. عبدی، عباس، آسیب‌شناسی اجتماعی زندان: تأثیر زندان بر زندانی، تهران، انتشارات نور، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۳۴. علوی، بزرگ، ورق پاره‌های زندان، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۸.
۳۵. غلامی حسن آبادی، نسرين، سلب آزادی محکومین مالی در پرتو موازین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.
۳۶. غلامی، حسین، کیفرشناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۹.
۳۷. غیاثیان، سعید، خاطرات زندان (گزیده‌ای از ناگفته‌های زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی)، تهران، نشر سوره مهر، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
۳۸. فراقیان، فاطمه، زندان نامه نویسی در حوزه ادبیات داستانی سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۳.
۳۹. فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش، تهران، نشر نی، چاپ هجدهم، ۱۳۹۹.
۴۰. قاسمی، فرید، خاطرات روزنامه نگاران زندانی، تهران، نشر آبی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴۱. القاضی مهر، علی، جانی‌پور، علی و ابراهیمی، شهرام، کنترل تحت‌نظر در حقوق کیفری ایران و فرانسه، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۷.
۴۲. القاضی مهر، علی، جانی‌پور، علی و ابراهیمی، شهرام، مطالعه تطبیقی کنترل تحت‌نظرگاه پلیسی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیستم، شماره اول، ۱۳۹۷.
۴۳. گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیلا، حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها، انتشارات راه تربیت، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۴۴. ماتیسوس، راجر و فرانسیس، پیتر، زندان‌ها در هزاره سوم، ترجمه لیلا اکبری، تهران، انتشارات راه تربیت، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۴۵. مارتینز، رنه، تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

۴۶. محمودی، معصومه، تحلیل آثار حبس بر زندانیان در پرتو قوانین سه گانه تقلید گابریل تارد، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۴۷. مهرا، نسرين (به كوشش)، زن و حقوق كيفرى: مجموعه مقاله‌ها، نتايج كار گروه‌ها و اسناد نخستين همایش بين-المللی زن و حقوق كيفرى، تهران، انتشارات سلسبیل، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴۸. مهرا، نسرين (تحت نظر)، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی مدیریت جمعیت كيفرى: نظریه و رویه، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۴۹. مؤذن‌زادگان، حسنعلی و خدادادی، بهمن، نظارت بر مجرمان، در فرایند مجازات سلب آزادی، پژوهشنامه حقوق كيفرى، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۹۲.
۵۰. مؤذن‌زادگان، حسنعلی و مرادی اوجقاز، محسن، جایگزین‌شناسی كيفر حبس در آینه آرای قضایی، تهران، انتشارات مهرکلام، چاپ اول، ۱۴۰۰.
۵۱. موسوی مُجاب، درید و مهذب، مریم، جستارهایی در جامعه‌شناسی كيفرى، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۵۲. نبوی، ابراهیم، سالن ۶: یادداشت‌های روزانه زندان، تهران، نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
۵۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و رضوانی، سودابه، سلب آزادی پیشگیری محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پژوهش حقوق كيفرى، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۳۹۴.
۵۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بین‌المللی-اساسی شدن اصول حقوق كيفرى، در: جنیدی، لعیا و نیازپور، امیرحسین، دانشنامه سیاست‌گذاری حقوقی، تهران، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۵۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس تاریخ حقوق كيفرى، دوره کارشناسی ارشد حقوق كيفرى و جرم‌شناسی، نیم سال اول تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴، قابل دسترس در: www.lawtest.ir
۵۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم‌شناسی حقوق كيفرى عمومی)، در: دایره-المعارف علوم جنایی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ویراست دوم، ۱۳۹۵.
۵۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم (درآمد)، دیباچه در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۷.
۵۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت كيفرى: فرصت‌ها و چالش‌ها در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت كيفرى، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱.

۵۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و گونه‌های آن، دیپاچه در: شیری، عباس (به کوشش)، دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۶۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، رویکرد جرم‌شناختی «قانون حقوق شهروندی»، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟ دیپاچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ویراست پنجم، ۱۳۸۷.
۶۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی ایران در قلمرو اداره زندان‌ها: تحول مستمر مقررات جزایی، دیپاچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ویراست پنجم، ۱۳۸۷.
۶۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، قضایی شدن مرحله اجرای کیفر، دیپاچه در: جعفرزاده، فخرالدین، اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات دادیار، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های جایگزین زندان، در: میرشمس شهشهانی (به کوشش)، مانده، مجموعه مقاله‌های همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶۵. نجفی، علی و کاظم خانی، سهیلا، کتاب‌شناسی زندان، تهران، انتشارات راه تربیت، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۶۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جامعه‌شناسی کیفری، تقریرات دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، قابل دسترس در www.lawtest.ir.
۶۷. نجفی ابرندآبادی، جامعه‌شناسی کیفری، تقریرات دوره دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱، قابل دسترس در: www.lawtest.ir.
۶۸. نیازپور، امیرحسن، اصول اجرا زندان پس از همه گیر شدن ویروس کووید-۱۹ (کرونا)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه نامه حقوق و کرونا، دوره ۲۳، ۱۳۹۹.
۶۹. نیازپور، امیرحسن، تحلیل جرم‌شناختی جداسازی زندانیان؛ با نگاهی به «آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۶، ۱۳۹۵.
۷۰. هاشمی شاهرودی، محمود، حبس از منظر آیت‌الله هاشمی شاهرودی، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۷۱. واقفی، مریم، مطالعه حقوقی-جرم‌شناختی مرحله پساکیفری در فرایند کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، ۱۳۹۰.

۷۲. ویلیامز، فرانک و مک شین، مارلین، پذیرش فرهنگ زندان، ترجمه حسین غلامی، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۷، ۱۳۸۱.